



دوران فریب بسر آمده، وعده‌های فریبکارانه دیگر کسی را فریب نمی دهد

صادق کار



مسئولین و مقامات رژیم اسلامی برآستی علاوه بر داشتن تخصص ویژه در جنایت و فساد و سرکوب در بندبازی و فریبکاری سرآمد روزگار هستند و از این لحاظ گمان نمی کنم بتوان برایشان حریف قدری یافت. برای نمونه می توان به سخنرانی سردار استبداد و فساد محمد قالیباف رئیس مجلس فرمایشی در یک میتینگ به اصطلاح انتخاباتی تشریفاتی اشاره کرد که در آن به کارگران و بازنشستگانی که بزور به محل میتینگ آورده شده بودند، وعده افزایش و مستمری های آنان در صورت رئیس جمهور شدن را داد. البته او خود نیک می داند که ممکن است بتوان با زورمردم را به میتینگ انتخاباتی کشاند، اما نمی توان به همان شکل آنها را پای صندوق ها کشانید. غرض او هم ترتیب دادن نمایشی است که بتواند بعدا تقلباتی که به نفع وی توسط برادران سپاهی همپالکی اش انجام خواهد گرفت را توجیه کند. او اما در عین حال سعی کرد با دادن وعده دروغ حداقل عده‌ای از حاضران را اغوا کند تا به او رای بدهند و گفت:

"در دولت من افزایش حقوق و مستمری به اندازه تورم خواهد بود/ باید یخچال‌های مردم را پر کنیم"  
این وعده فریبکارانه تبلیغاتی را کسی می دهد که در مقام رئیس مجلس حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت را کمتر از نصف نرخ رسمی تورم سال گذشته فقط "۲۰ درصد" افزایش داد. با تصویب برنامه هفتم دولت در مجلس، قوانین بازنشستگی را به زیان کارگران تغییر داد، حقوق بعد از بازنشستگی را تقلیل داد و با همدستی دولت بسیاری از مواد قانون کار را تغییر و به دوران سالهای دهه چهل برگردانید و در خصوصی سازی بخش آموزش، بهداشت و بیمه و گران کردن هزینه درمان و آموزش نقش اساسی داشت. حالا هم می خواهد همان سیاستها را با آهنگ پرشتابتری ادامه دهد. در مورد افزایش حقوق بازنشستگان هم دارد وعده دروغ می فروشد. قالیباف اگر تمایلی به افزایش حقوق بازنشستگان داشت در مقام رئیس مجلس قادر به این کار بود. چرا آنوقت نکرد؟

خبرگزاری ایلنا که گزارش مربوط به این میتینگ چند صد نفره را که بیشترشان بسیجی و سپاهی تغییر لباس داده شده بودند، را منتشر کرد، در همان صفحه شکایت کارگران یک کارخانه را منتشر کرد که کارگران آن از اعزام زوری و توام با دادن وعده پاداش و نهار به میتینگ قالیباف توسط صاحب کارخانه معترض بودند.



ایلنا به نقل از کارگرانی که نمی خواستند به گردهم آیی انتخاباتی رئیس مجلس بروند نوشت:

"ه گفته کارگران، این شرکت امروز به دلیل برنامه قطعی برق تعطیل است؛ اما کارگران را با مینی بوس و اتوبوس راهی سناد قالیباف در تهران کرده تا حمایت کارگران از قالیباف را تبلیغ کنند؛ این درحالی است که بسیاری از این کارگران این واحد تولیدی موافق این اقدام نیستند"

از این آشکارتر کارگران نمی توانستند بیزاری خود از این انتصاب فرمایشی علی خامنه‌ای و شرکای او که تلاش می کنند با استفاده از زور، فریب، تطمیع و نیرنگ کارگران و بازنشستگان را تبدیل به هیزم کشان تنور مضحکه ای که به دروغ نام انتخابات بر آن نهاده‌اند نمایند، اعلام کنند. این که کارگر حاضر نیست حتی در بدترین شرایط معیشتی با گرفتن پاداش فوق العاده در گردهم آیی قالیباف شرکت نماید، از عمق آگاهی کارگران نسبت به قلابی بودن انتخابات در رژیم اسلامی، نارضایتی و بیزاری و بی باوری به وعده‌های دروغ کاندیداها حکایت دارد.

عدم تمایل به شرکت، البته در مورد پنج نامزد دیگر برگزیده خامنه‌ای مشابه است. سالهاست که کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران نه تنها از شرکت در انتخابات فرمایشی بطور آگاهانه خودداری می کنند، بلکه وجود رژیم اسلامی را باعث فقر و بدبختی و بی حقوقی خود می دانند و حاضر نیستند کاری کنند که به بقای رژیم کمک نماید.

نه تقسیم سبب زمینی و وعده آوردن پول نفت در زمان احمدی نژاد، نه وعده روحانی برای افزایش دستمزد و آزادی حق تشکل، نه وعده‌های سراپا دروغ ایجاد عدالت توسط رئیسی قاتل هزاران مبارز عدالتخواه و آزادیخواه، نه وعده گوشت زاکانی و نه افزایش دستمزد و حقوق کارگران و بازنشستگان توسط قالیباف و نه وعده های موهوم پزشکیان و اصلاح طلبان که به گفته خودشان قصد دارند با جلب مشارکت عده‌ای از مردم پایگاه رژیم مستبد و تبهکار اسلامی را تقویت کنند، هیچ یک قادر نیست جمعیت بزرگ کارگران و حقوق و مزدبگیران را به پای صندوق های انتخابات فرمایشی رژیم برگرداند. به تجربه برای مردم روشن شده است که همه‌ی جریاناتی که پشت کاندیداها ایستاده‌اند، در کشاندن جامعه به وضعیت فلاکت بار کنونی، سهمی کم و بیش مشابه داشته اند و دغدغه همگی شان بیش از همه منفعت گروهی و خصوصی است. کما اینکه هیچ کدام شان صحبتی از دستمزد کارگر و کارمند، امنیت شغلی به صفر رسیده کارگر، حق تشکل، قانون کار و تامین اجتماعی، میلیونها کودک و نوجوان جا مانده از تحصیل، بیش از سه میلیون کودک کار و خیابانی، هزینه غیر قابل تحمل مسکن و بهداشت، رهبران سندیکایی و سیاسی زندانی، آزادی احزاب، منع پیگرد نهادهای مدنی و فجایع محیط زیستی و برخورد با غارت اموال عمومی تحت عنوان مولد سازی و خصوصی سازی نمی کنند.

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**



صورت‌برداری از خطرات کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی بخش نخست  
تحلیلی در بخشهای پوشاک، الکترونیک و کشاورزی



نوشته راشل جکسون، از انتشارات یونیسف

## 1. کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی

### 1. کار کودک و مسئولیت زنجیره های تأمین

برندهای جهانی و توزیع کنندگان آنها دهه هاست که عمدتاً بر پایه تلاش داوطلبانه ناشی از مفاهیم قرارداد اجتماعی، یا در رقابت با همتایان شان، یا به انگیزه حفظ نام و شهرت شان، برای حذف کار کودک از زنجیره‌های تأمین خود اقداماتی کرده‌اند. این اقدامات ممکن است بر اساس اندازه، جغرافیا و ماهیت زنجیره تأمین و همچنین تعهدات مالی شرکتها نسبت به مسئولیت اجتماعی و مشخصاً حذف کار کودک، متفاوت باشند. با این حال، صحبت چه در باره شرکتی چند میلیارد دلاری فروشنده محصولات مصرفی باشد، چه در باره یک تولیدکننده کوچک یا متوسط، تمرکز این اقدامات اساساً روی بخشهای تأمین‌کننده "ردیف 1" در زنجیره تأمین بوده است.

#### 1. ردیف

منظور از اولین ردیف یا ردیف 1 (Tier 1) محل کاری است که محصول نهایی سفارش داده شده توسط یک برند یا فروشنده در آن تولید، مونتاژ یا پردازش می شود و معمولاً در مالکیت یا زیر بهره برداری یک شخص ثالث است. برای نمونه در بخش پوشاک، ردیف 1 شامل کارخانه هائی است که پارچه برای لباسهای تولیدی به منظور صادرات بریده و دوخته می شوند یا مونتاژ می شوند. در بخش الکترونیک، کارخانه های ردیف 1 مونتاژ محصولات آماده برای بازار را تکمیل می کنند. در کشاورزی، ردیف 1 ممکن است نقطه پایانی بسته بندی میوه یا سبزیجات یا مکانی باشد که محصولات غذایی در آن فرآوری و بسته بندی می شوند، مانند محصولات کنسرو شده، مواد غذایی منجمد شده یا آماده سازی مواد غذایی پیچیده تر در یک کارخانه فرآوری مواد غذایی.

اقدامات پیشگفته شرکتها در چند دهه گذشته کار کودکان شاغل در ردیف 1 زنجیره تأمین را به شدت کاهش داده است. با این حال، کودکان در لایه‌های دوم، سوم و چهارم فرآیند کلی، یعنی در حلقه هائی که "زنجیره تأمین بالادست" نیز گفته می شوند، حضور سنگینی دارند.

## زنجیره تأمین بالادست



متأسفانه، ماهیت کار در زنجیره تامین بالادست می تواند خطرات بیشتری را برای رفاه و ایمنی کودکان کار ایجاد کند. کودکانی که در زنجیره های تامین بالادستی پوشاک، الکترونیک، و غذا و کشاورزی کار می کنند، ممکن است وظایف پرخطری چون کاشت و برداشت پنبه، استخراج مواد معدنی، یا پرورش و برداشت مواد غذایی را به عهده داشته باشند.

خریداران محصولات زنجیره های تامین و فعالان منع کار کودک ممکن است سنتاً اطلاع کمتری در باره این لایه های زنجیره تامین داشته اند و بنابراین منابع و انرژی کمتری را برای شناسایی و حذف کار کودکان در این ردیف های بالادستی اختصاص دهند. در سال های اخیر، تلاش های صورت گرفته برای ردگیری زنجیره های تامین بالادستی به تعریف و تشخیص مسیر ملموس این زنجیره های تامین کمک شایانی کرده است. اما این تلاش ها هم ممکن است به دلیل واقعیت های بازار، از جمله عدم تمایل واسطه ها و کارگزاران برای افشای منابع خود و ترس از بیرون گذاشته شدن از زنجیره ارزش، به نتایج محدودی نائل شوند.

البته چالش های دیگری نیز وجود دارند: از جمله تغییرات فصلی در شرکای تامین کالا، به این معنا که هر ساله کشاورزان مختلفی در یک زنجیره تامین حضور دارند. در برخی از کشورها، دولت سالانه تعیین می کند که کشاورزان محصول خود را به چه کسانی بفروشند، و این خریداران، که کارشان معمولاً نوعی پردازش و فرآوری محصول خریداری شده است، موظف به خرید از آن کشاورزان اند.

در گزارش حاضر این چالشها مورد بررسی قرار می گیرند. این گزارش همچنین نمونه هایی از تعامل ممکن با زنجیره های تامین بالادستی را معرفی می کند که ممکن است الگوی قابل استفاده ای برای حذف کار کودک و بهبود حقوق کودک باشند.

## کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

### اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

سرمایه داری سال به سال استثمارگر تر و خشن تر می شود  
"ITUC" پیرامون گزارش سال ۲۰۲۴ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری



گزارش که گفته شده نتیجه تحقیقات ۱۱ ساله این کنفدراسیون کارگری است، در اصل به معرفی کشورهای اختصاص یافته که در صنعت نساجی از لحاظ عدم رعایت حقوق کارگران جزء بدترین کشورهای



جهان قرار دارند. آنطور که از گزارش بر می آید مقامات این کشورها که تعداد شان ۸ کشور اعلام شده با وجود نقض شدید و مداوم حقوق و فشار مضاعف به کارگران توسط صاحبان صنعت نساجی و شرکتهای چند ملیتی مرتبط با آنها اقدامی برای رفع فشارهای مختلف و جلوگیری از ادامه آن نکرده‌اند.

همچنین در گزارش گفته شده:

"جریان راست اقتصادی بطور عمده در جهان در حال گسترش میان کشورهاست و در این مسیر از صندوق‌های رای استفاده کرده و نیازمند تضعیف حقوق کار در برخی کشورهای در حال توسعه است. براساس این گزارش، تمامی هشت کشور یادشده در عرصه صنعت پوشاک، حق چانه زنی و حق اعتراض صنفی را بطور جدی نقض کردند و این روند از سال ۲۰۲۲ تا امسال (۲۰۲۴) تشدید شده است و در ادامه و می افزاید...

«در یک تحول عمیقاً نگران‌کننده در سال جاری میلادی، ۵۰ درصد از کشورهای جهان به‌طور خودسرانه «اعضای اتحادیه‌های کارگری را دستگیر یا بازداشت کردند که ۴ درصد بیش از سال ۲۰۲۱ میلادی است. فهرست هشت کشور که بدترین شرایط را (به ترتیب از بیشترین نقض حقوق کار) برای کارگران بخش پوشاک رقم زدند، به شرح ذیل است

میانمار ۲؛ بنگلادش ۳؛ ترکیه ۴؛ گواتمالا ۵؛ مصر ۶؛ فیلیپین ۷؛ تونس ۸؛ اکوادور

ظاهراً اینک رژیم ایران یکی از نا قضان شناخته شده حقوق سندیکایی کارگران در جهان است و کنفدراسیون بین المللی کارگری نیز بارها با انتشار بیانیه و نامه نقض حقوق سندیکایی کارگران ایران توسط رژیم را محکوم و خواهان رعایت آن و منع پیگرد فعالین سندیکایی شده است، به دلیل اینکه گزارش به صنعت نساجی پرداخته از ایران نامی نبرده است. ولی در گزارش به بازداشت خودسرانه ۵۰ درصد اعضای اتحادیه‌های کارگری در کشورهای جهان و رشد ۶ درصدی آن اشاره می کند که ایران اگر بدترین نمونه آن نباشد، قطعاً جزء بدترین نمونه‌های آن در جهان است.

نکات آموزشی جدیدی در این گزارش وجود دارد که برای ما کارگران ایران که نزدیک به یک قرن به استثنای چند سالی که در اثر خلاء قدرت و سقوط دیکتاتورها به زور از حقوق مان محروم شده‌ایم توجه به آن اهمیت دارد. و آن این است که رشد اقتصادی آنطور که گفته می شود و ما را به تحمل وضعیت کنونی تا آنزمان آن بشارت می دهند، بخودی خود موجب بهبود وضعیت کارگران نمی شود. دلیل اش هم وضعیت کارگران صنعت نساجی در همین ۸ کشور است که به رغم مراحل قابل توجه‌ای از رشد بنا به گزارش تحقیقی کنفدراسیون بین المللی کارگری وضعیت کار و زندگی شان با وجود سود های سرشار و زندگی های مجلل صاحبان کارخانه‌هایی که در آن کار می کند جز بدترین‌ها در جهان است. الگوی ایده آل سرمایه داران ایرانی از لیبرال و اصلاح طلب شان گرفته تا مونتلفه چی و پایدار چی های شان همین نوع کشورها هستند. تعرض و بی حقوق سازی نیروی کار امروز محدود به این ۸ کشور نیستند، پدیده‌ای جهانی است که جهان را در بر گرفته و کشورهای چپ سوند را نیز بی نصیب نگذاشته است. اشتهای صاحبان سرمایه و دولتهای آنها سیری ناپذیر است و حرص و طمع آنها برای استثمار و مال اندوزی و چنگ انداختن بر جهان روز به روز فزونتر می شود. ما یک راه بیشتر برای رهایی از وضعیتی که روز به روز بدتر می شود پیش روی نداریم سازماندهی خود و تن ندادن به تبلیغات دروغ احزاب و سازمانها و دولتهای سرمایه داری برای پیدا کردن قدرت دفاع از حقوق و رفاه و تامین زندگی شایسته و انسانی برای خود.

**مبارزه برای آزادی معلمان، کارگران و زندانیان سیاسی را گسترده و سراسری کنیم!**

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**



مکثی بر رویدادهای کارگری هفته



## کشته شدن چهار کارگر دیگر معدن

متاسفانه به رغم وقوع حوادث منجر به مرگ کارگران در معادن، کارگاه ها و جاده ها شمار این حوادث بدون اینکه مسئولین وزارت کار و سایر مسئولین تدبیری برای کاهش و جلوگیری حوادث انجام دهند، همچنان از میان کارگران قربانی می گیرند. در یکشنبه ۲۷ خرداد نیز در اثر ریزش معدن شن و ماسه شماره ۵، ۷ کارگر دیگر بنام های، محمد بولحسنی، نصرتاله یارمحمدی، مجتبی نجفی و آیت الله رضایی کشته و پیکر های له و لورده شان دو تن از قربانیان هنوز با گذشت چند روز از زیر آوار خارج نشده اند. علت حادثه اگر چه هنوز بطور رسمی اعلام نشده، ولی به نظر می رسد مانند موارد پیشین ناشی از بی توجهی کارفرما و دولت به قوانین و اصول ایمنی و نبود تشکل کارگری در محل کار بوده باشد. کارشناسان ایمنی در گزارشی که پنجشنبه این هفته در روزنامه اعتماد منتشر شد گفتند:

: اگر اصول طراحی و ایمنی معادن رعایت می شد هیچ حادثه منجر به مرگی نداشتیم

## آغاز دور دیگری از اعتراض کارگران در شرکتهای نفتی

اعتصابات همکاران پروژه ای کلید خورد

گفته بودیم که اگر تا آخر خرداد جواب نگیریم گسترده تر دست به اعتراض خواهیم زد و اعتراضاتمان آغاز شد.

روز ۳۰ خرداد ماه همکاران پروژه ای پیمانی در شرکتهای دشت عباس و شرکت ثمین و داربست بندان پیمانکاری زمان پور با خواست افزایش دستمزد و ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت دست به اعتصاب زدند. ما پروژه ای نفت قبلا اولتیماتوم داده بودیم که اگر تا آخر خرداد ماه به مطالباتمان پاسخ داده نشود، دست به اعتصاب خواهیم زد و روز گذشته کلیدش زده شد. یک خواست مهم ما کارگران پروژه ای نفت و در سطح سراسری در نفت حذف پیمانکاران است.



حرف ما اینست که نباید هیچ تفاوتی در شرایط مزدی و معیشتی کارگرانی که برای شرکت نفت و گاز و پتروشیمی ها کار می کنند، باشد. در برابر کار یکسان، مزد یکسان و شرایط کاری یکسان

حق همه ما کارگران پروژه ای، ارکان ثالث، قرارداد موقت، حجمی، روزمزد و قرارداد معین است که مانند کارگران رسمی از همه مزایای شغلی صنعت نفت برخوردار باشند

## حمله و بازداشت بازنشستگان بانک ملت در تهران

به گزارش خبرگزاری ایلنا ماموران امنیتی به تجمع اعتراضی بازنشستگان بانک ملت که در ۲۹ خرداد در تهران تجمع کردند حمله و پس از ضرب و شتم آنان تعدادی از تجمع کنندگان را بازداشت و به کلانتری بردند. علت تجمع اعتراض به حیف و میل صندوق "آتیه کارکنان بانک ملت" ذکر شده است. با این وصف ماموران کلانتری بجای بازداشت اختلاسگران بازنشستگان شاکی را بازداشت کردند.

مهمترین علت اختلاس در صندوق های تامین اجتماعی گذاشتن مدیران وابسته به دولت و جلوگیری از فعالیت سندیکاهای کارگری و انتخاب مدیریت صندوق توسط نمایندگان منتخب کارکنان بانک است که تا تامین نشود اختلاس و حیف و میل ذخیره بازنشستگان تداوم پیدا خواهد نمود.

## ادامه اعتراضات بازنشستگان

اعتراضات هفتگی بازنشستگان در روزهای شنبه، یکشنبه و سه شنبه این هفته نیز در شهرهای مختلف و بعد از اعتراضات بزرگ سه روزه بازنشستگان آموزش و پرورش در هفته پیش ادامه پیدا کرد و انگیزه بازنشستگان برای برگزاری تجمعات وسیعتر و متحدانه تر را تقویت کرد. اعتراضات این هفته بازنشستگان نیز نتوانست نسبت از انتخابات فرمایشی خود را دور نگه دارد و از طرح نظرات بازنشستگان در تجمعات پرهیز کند. برای نمونه می توان به مخالفت شفاف و صریح بازنشستگان در شهر کرمانشاه که علیه شرکت در انتخابات فرمایشی شعار دادند اشاره کرد.

## کارگران اخراجی فولاد اهواز بار دیگر در اعتراض با وعده پوچ مسئولین مقابل مجلس تجمع کردند

تعدادی از کارگران فولاد اهواز برای چندمین بار در اعتراض به اخراج خود در روز سه شنبه این هفته تجمع و خواهان بازگشت به سر کارهای خود شدند. این عده که در ماه اسفند سال گذشته بخاطر شرکت در یک تجمع صنفی با خواست اجرای طبقه بندی مشاغل از کار اخراج شدند، بارها با مراجعه به نهادهایی که قول برگرداندن آنان به سر کار هایشان را داده بودند خواستار بازگشت به کار شدند، اما در عمل هیچکدام اقدامی در این جهت نکرده اند.

طبقه بندی یک مطالبه قانونی و اعتراض صنفی نیز حق کارگر است. با این حال مدیریت شرکت که با امتناع از اجرای طبقه بندی قانون و حق بدیهی کارگران را از بین برده نه تنها مورد مواخذه قرار نگرفته بلکه کارگر را بجای آن با اخراج مجازات نموده اند. کارگران فولاد تا کنون به کرات برای بدست آوردن مطالبات خود از جمله اجرای طبقه بندی و بازگرداندن همکاران خود به سر کار تظاهرات و اعتصاب برگزار کرده اند، اما به علت نداشتن تشکل پایدار نتوانسته اند به خواسته های خود برسند و از حقوق خود بطور مستمر حفاظت بنمایند.

## تبعیض علیه اشتغال مردم بومی همچنان ادامه دارد



بیکار کردن عده‌ای از کارگران پتروشیمی "ارغوان گستر" در منطقه محروم ایلام موجب اعتراضات گسترده و پایدار در این منطقه شده است. کارگران که بعد از اخراج عملاً معطل نان زن و بچه‌های خود هستند مایلند بعد از اتمام پروژه سهمی از کار در شرکت به اهالی بومی اختصاص داده شود یا حداقل زندگی آنان تا زمان یافتن کار بوسیله بیمه بیکاری تامین شود. اما نه شرکت تازه تاسیس حاضر است سهمی از اشتغال خود را به اهالی بومی اختصاص دهد و نه صندوق بیمه بیکاری حاضر به پرداخت حقوق بیکاری و اخراج شدگان هستند و کارگران بیکار شده هم نمی‌دانند تکلیف شان با این عدم مسئولیتها چیست. افراد بومی در مناطق مختلف سالهاست که خواهان اختصاص سهمی از بازار اشتغال در این مناطق هستند. مسئولین نیز هرگاه اعتراض بالا گرفته به دادن وعده سهمیه اکتفا کرده اما در عمل به وعده‌های خود عمل نکرده‌اند و حتی سعی کرده‌اند با ندادن سهمیه به افراد محلی بین کارگران بومی و غیر بومی اختلاف ایجاد نموده و از اختلافات به نفع خود بهره ببرند.

## اعتراض علیه تشدید سیاستهای جنگی در اروپا بالا می‌گیرد

از آغاز جنگ اوکراین و ناتوبا روسیه تا کنون بواسطه تحریم طرفین هزینه‌های زندگی بقدری جهش نموده و شرایط چنان دشواری را برای مزد و حقوقگیران در اروپا وارد آورده که باعث نارضایتی و اعتراضات گسترده علیه عواقب جنگ و خود آن شده است. دولتهای اروپایی با همه ی تلاشهای که برای کنترل هزینه‌های زندگی کرده‌اند موفق به پیشگیری از افزایش اعتراضات در بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای جنوب اروپا نشده‌اند. این در حالی است که اوکراین با وجود کمکهای گسترده نظامی و مالی اروپا و آمریکا و متحدین آنها نتوانسته مانع از پیشروی روسیه شود. بخشی از اعتراض در این کشورها بصورت رای دادن به احزاب دست راستی و شبه فاشیستی و تقویت موضع آنها شده است و بخش دیگری در غالب اعتراضات کارگری در کشورهای مختلف بروز می‌کند. تازه ترین نمونه آن تظاهرات وسیعی است که این هفته در ایتالیا به دعوت یکی از اتحادیه‌های کارگری برگزار شد. بخشی از گزارش این تظاهرات به نقل از ایلنا در ذیل ببینید:

"در تظاهرات بزرگ علیه دولت ملونی (نخست وزیر) و اختصاص بودجه «USB» اتحادیه مرکزی کارگران ایتالیا جنگی وی، به خیابان‌ها آمدند. تظاهرات علیه دولت ملونی و اقتصاد جنگی وی باعث شد علاوه بر کارگران عضو اتحادیه‌ها، هزاران دانشجو، معلم و بازنشسته نیز به اعتراضات بپیوندند. اعتراض به اختصاص بودجه برای تداوم جنگ در اوکراین برای گسترش ناتو، اعتراض برای تداوم حمایت از جنگ علیه مردم غزه و اختصاص منابع نظامی و امنیتی ایتالیا به مردم و طبقات فرودست این کشور، از مطالبات کارگران بود. مبارزه برای دستمزد، افزایش استاندارد ایمنی در محل کار مانند کشورهای اروپای غربی، افزایش استخدام‌های دولتی، و عدالت در پرداخت حقوق، از جمله مطالبات این معترضان بود..."

پیگرد فعالین صنفی معلمان همچنان "انتخابات"

## مسعود فرهیخته به شعبه دوم دادگاه کرج احضار شد

در شرایط برگزاری انتخابات فرمایشی نیز به رغم تبلیغات فریبکرانه رژیم و اصلاح طلبان پیگرد فعالین صنفی معلمان همچنان ادامه دارد، در تازه ترین نمونه مسعود فرهیخته فعال صنفی فرهنگی استان البرز را به نوشته کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای محاکمه به شعبه دوم دادگاه انقلاب احضار و از او خواسته‌اند در دوم تیر ماه ۱۴۰۳ خود را به این دادگاه معرفی نماید. راستی مضحک تر از این می‌شود ادعای انتخابات داشت و در میان تبلیغات کر کننده یک معلم را به صرف فعالیت زندان از آزادی محروم کرد؟





بیانیه ۵۲۰ نفر از فرهنگیان درباره دلایل عدم شرکت در انتخابات با درود به هموطنان عزیز و گرامی با توجه به شرایط روز جامعه و برگزاری انتخابات دوره چهاردهم ریاست جمهوری لازم دیدیم تا برای دفاع از جمهوریت و براساس حقوق شهروندی همانند کسانی که برای شرکت در انتخابات و حمایت از کاندیدای مورد نظر خود تلاش میکنند ما نیز اگرچه برخلاف آنها از هیچ امکاناتی برای برپایی «ستاد مخالفان شرکت در انتخابات» برخوردار نیستیم اما از طریق نوشتن این بیانیه نظر خود را با شما در میان بگذاریم.

برکسی پوشیده نیست که وقوع انقلاب و حوادث بعد از آن و جنگ ۸ ساله پیامدهای منفی فراوانی به همراه داشت که ناخواسته گریبانگیر همه ما شد. برای حل مشکلات پذیرفتیم که راه اصلاحات تدریجی را پیش بگیریم. اما بخش قدرتمندتر حاکمیت به طرق مختلف در مقابل خواست اکثریت مردم ایستاد. با این وجود مردم ناامید نشدند و حماسه حضور واقعی در انتخابات را در سال ۸۸ رقم زدند اما نتیجه آن شد که همه میدانیم. ولی باز هم مردم به سیاستمداران اعتماد کرده و سال ۹۲ هم برای اعتراض به نتیجه انتخابات قبل و هم امید به اصلاح پای صندوق آمدند. نتیجه نسبتاً رضایت بخش بود. بخصوص با انعقاد برجام، از بین رفتن تحریم ها و دفع خطر جنگ. اما وقایع تلخ سال ۹۶ و ۹۸، شلیک به هواپیمای اکرایی و کتمان آن، تورم افسار گسیخته، آتش زدن برجام در مجلس و فرمان ممنوعیت ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی نشان داد که مسئله صرفاً به ناتوانی رئیس دولت و کابینه باز نمیگردد. اینجا بود که مردم از سال ۹۸ به این باور رسیدند که دیگر به هیچ وجه اصلاحات ممکن نیست و شرکت در انتخابات و تعویض بازیگران قدرت نه تنها هیچ تأثیر مثبتی در زندگی آنها ندارد بلکه با مشروعیت بخشیدن به حکومت به سرکوبگری آن به عرصه اجتماعی و فشار ناشی از مشروعیت می بخشد. از ۹۸ تا امروز بخصوص با ورود نسل موسوم به از حضور جمعیت بیش از ۱۵ میلیونی این نسل که در بیان و پیگیری مطالبات خود از نوعی صراحت و شجاعت بیشتر و شاید بردباری کمتر برخوردارند مردم با عدم مشارکت در سه انتخابات متوالی با صدای رسا یک «نه» بزرگ به حکومت گفتند. اما اتاق فکر حکومت به خوبی میدانند که گسترش عدم مشارکت میتواند به عامل همگرایی و انسجام بخشی مخالفان تبدیل شود. و به دلیل بروز مشکلات اقتصادی بویژه و بازگشت Z در صورت افزایش قیمت بنزین، اعمال محدودیت های اجتماعی و فرهنگی بویژه بر همان نسل تحریم ها احتمال وقوع اعتراضات گسترده تر از دوره های قبل وجود دارد. به همین دلیل تصمیم گرفتند با تایید صلاحیت مسعود پزشکیان که چند ماه قبل صلاحیتش برای کاندیداتوری مجلس در ابتدا رد شده بود به اقرار خودش\_ آمار مشارکت را بالا ببرند. از اینرو وی و هواداران محافظه کارش در تلاشند تا کور سوی امیدی در ذهن و دل مردم خسته و سرخورده از تحقیر، تهدید و سرکوب ایجاد نمایند. اما آنچه او و دیگر اصلاح طلبان ولو دلسوزانه وعده میدهند حتی اگر پیروز انتخابات باشند سرابی بیش نیست. از اینرو ما تصمیم گرفتیم با انتشار این بیانیه دلایل عدم مشارکت خود در انتخابات را با مردم عزیز و فهیم در میان بگذاریم و تلاش کنیم تا با تکیه بر راهبرد مقاومت مدنی مسیر سخت و ناهموار تغییر و تحول بنیادین را با همراهی هم و دست در دست هم تا رسیدن به مقصود سپری نماییم.

دلایل ما برای عدم مشارکت در انتخابات



- ۱- انتخابات در جمهوری اسلامی از معنای حقیقی که همان اعمال اراده و خواست مردم است خالی شده و صرفاً به یک مناسک سیاسی برای معرفی افراد مورد تایید حاکمیت تبدیل شده است. حضور در چنین انتخاباتی فارغ از اینکه نام کدام کاندیدا به عنوان فرد پیروز اعلام میشود معنایی جز پذیرش و تایید وضع تحمیلی کنونی و توهین به شعور اجتماعی مردم ندارد
- ۲- دولت‌ها در ایران از دو حالت خارج نبوده و نیستند یا اراده و میل به تغییر براساس خواست و رویکرد اکثریت مردم را دارند اما از توان لازم برای انجام آن برخوردار نبوده و نیستند. یا هدفشان حفظ حکومت طبق خواست و اراده همان هسته سخت قدرت است. در هر دو حالت نتیجه و پایان عملکرد آنها برای مردم یکسان است و از این جهت انتخاب ما تفاوتی در وضعیت زندگی ما ندارد
- ۳- اگر چه منکر تفاوت‌های فردی در منش و نگرش کاندیداها نیستیم اما تنها کاندیدایی که شاید انتظار تغییر از او می‌رود دو گزاره کلیدی، مهم و البته همراه با بیان صادقانه دارد. "برنامه ندارم و همان برنامه دولت قبل که مصوب شده را طبق قانون اجرا میکنم. در جهت اجرای سیاست‌های کلی نظام و اجرای منویات مقام معظم رهبری تلاش میکنم" خب سوالی که باید حامیان و مبلغان تنها کاندیدای با منش و نگرش تا حدودی متفاوت از دیگر کاندیداها پاسخ دهند این است که آیا مشکل اکثریت مردم که مخالف وضع موجود هستند اجرا نشدن و بی توجهی رؤسای دولت قبل به سیاست‌های کلی نظام بوده است که این وعده موجب بازگشت دوباره مردم معترض و ناراضی به پای صندوق رای شود؟
- ۴- هر عقل سلیمی قبول دارد که بخشی از مشکل کشور معلول ناتوانی و ناکارآمدی مدیران و انتخاب جناحی و ایدئولوژیک بجای انتخاب براساس شایستگی و تخصص و تجربه لازم است. اما تجربه دولت خاتمی و دولت روحانی نشان داد که حتی اگر تا حدودی امکان انتخاب مدیران متخصص و شایسته تر وجود داشته باشد که مانند طبیعی حاذق تشخیص دهند که عامل و ریشه مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کجاست اما ساختار حقوقی و حقیقی قدرت (اختیارات قانونی و عملکرد فراقانونی دیگر نهادها) ذره ای اجازه درمان نمیدهد
- ۵- مشارکت در انتخابات نادیده گرفتن تمام هزینه‌هایی است که در طول این سالها به مردم تحمیل شده از عقب ماندگی شدید در توسعه گرفته تا هزینه‌هایی چون اخراج از کار، مهاجرت اجباری، زندان و حتی متاسفانه و ناباورانه کشتار مردم به دلیل اعتراضات خیابانی. زیرا آشکارا این پیام را برای هسته سخت قدرت دارد که "تو هر بلایی بر سرمان بیاوری ما چاره ای جز بازی در زمین تو و طبق قواعدی که تو تعریف میکنی نداریم." به همین دلیل ما به هیچ عنوان در زمینی که کمترین قدرتی برای تعیین قواعد در آنرا نداریم بازی نخواهیم کرد
- ۶- برخی بر این باورند که هم میشود در انتخابات شرکت کرد و هم به اعتراضات با راهبرد مقاومت مدنی ادامه داد. اما این ادعا اگر برای فریب مردم نباشد باید گفت ادعایی است بسیار نادرست. زیرا منطق مقاومت مدنی یعنی اینکه حکومت طبق قواعد رسمی اجازه تغییر و مطالبه گری نمی‌دهد و شهروندان ناچار میشوند خارج از قواعد رسمی و با تکیه بر قدرت حاصل از همگرایی و انسجام به خواست و مطالبه خود دست پیدا کنند. اما مشارکت در انتخابات یعنی پذیرش این موضوع که راه قانونی و رسمی اعمال نظر و مطالبه گری باز است. به همین دلیل مشارکت در انتخابات بدون اینکه هیچ دستاوردی داشته باشد به شدت موجب تضعیف و شکاف در صفوف معترضان میشود
- ۷- این دلیل آخر کاملاً معطوف به این نظر اصلاح طلبان است که پزشک‌ها در مقاطع حساس که مردم سرکوب شدند از مردم حمایت کرده است. و برای اثبات این مدعا به نطق ۵ دقیقه ای هفتم تیر ۸۸ پزشک‌ها در مجلس و نامه اول مهر ۱۴۰۱ درباره مرگ مرحوم مهسا امینی و چند برنامه تلویزیونی و مصاحبه با خبرگزاری‌ها اشاره میکنند. در حالیکه اگر فیلم آن سخنرانی را مشاهده کنید و یا نامه اول مهر را بخوانید حتی در یک جمله آن به کشته شدن مردم در خیابان اشاره نمیشود. اما بر فرض قبول این مدعا آیا در طول ۱۶ سال نمایندگی مجلس وقتی طبق اصل ۸۴ "هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید" آیا ایشان در طول همه این سالها از اخراج کارگران، معلمان، اساتید و دانشجویان معترض بی اطلاع بودند؟ آیا در طول همه این سالها از زندانی شدن فعالان صنفی، سیاسی، رسانه ای و دانشجویی بی اطلاع بودند؟ آیا بعنوان یک نماینده مجلس و پزشک متخصص علت مرگ مهسا امینی که خودشان شفاف سازی درباره آنرا ضروری و منتج به جلوگیری از هزینه



های بیشتر عنوان کردند را پیگیری کردند؟ اگر مردمی بودن یعنی یک سخنرانی، یک نامه، یک برنامه تلویزیونی و مصاحبه با یک خبرنگاری که نتیجه مردمی بودن ایشان در دولت هم از هم اکنون مشخص است.

ما امضا کنندگان این بیانیه براساس این ۷ دلیل شرکت در انتخابات را ولو با فرض پیروزی کاندیدای اصلاح طلب اشتباه، بدون نتیجه در حل مشکلات و از همه بدتر عامل افزایش مشروعیت و انگیزه سرکوب بیشتر مطالبه گران و معترضان میدانیم و از این طریق اعلام می نمایم که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نخواهیم کرد.



احضار مجدد محمد حبیبی به دادگاه انقلاب شهریار  
. محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران ، مجدداً به دادگاه انقلاب احضار شد  
این فعال صنفی معلمان که در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ بخاطر اعتراض به مسمومیت های سریالی دانش آموزان بازداشت شده بود ، در دی ماه همان سال به اتهام اجتماع و تبانی در دادگاه انقلاب شهریار محاکمه شد و مجدداً برای همان پرونده به همان دادگاه احضار شده است  
محمد حبیبی در تاریخ نهم تیرماه باید در شعبه دوم دادگاه انقلاب شهریار حاضر شده و مجدداً محاکمه شود .

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



اعزام کارگران زندانی داود رضوی و  
ریحانه انصاری نژاد به بیمارستان



به اعتصاب ادامه میدهم

کمپین #۱۴-۱۴

روز گذشته دوم تیرماه اعتصابات ما کارگران پروژه ای دامنه اش بیشتر شد و شمار بسیار بیشتری از همکاران به صف اعتصاب پیوستند. هم اکنون بیش از ۲۰ هزار همکار ما در نزدیک به ۹۰ شرکت مختلف نفت و گاز برای پیگیری مطالبات خود وارد اعتصاب شده اند. مطالبات فوری مان ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت، افزایش حقوقها و در راس همه اینها حذف پیمانکاران زالو صفت است. همچنین ما بر بهبود شرایط زیستی و کاری خود از جمله بهبود وضع خوابگاهها، کیفیت غذا، اماکن بهداشتی عمومی خوابگاهها ( دستشویی و حمام) ، تجهیزات لازم سرمایه‌داری در محیط های کار و زیستی و ایمنی محیط کار که هر روز قربانی میگردد تاکید کرده ایم. اکنون نیز اعلام میکنم که اگر به کمپین و خواست ما برای ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت پاسخ داده نشود، اگر مزد ما متناسب با درخواستهای اعلام شده مان افزایش نیابد و تبعیض در پرداختها و شرایط کاری از بین نرود وضع از همین قرار خواهد بود و تردیدی نداریم که بخشهای بیشتری از همکاران به اعتصاب خواهند پیوست. شورای سازماندهی همه همکاران را به پیوستن به این اعتصابات و اتحاد و همدلی فرامیخواند

**ما از اعتصاب حق طلبانه کارگران پروژه‌ای و پیمانی حمایت می کنیم!**

**از اعتراضات و مطالبات به حق بازنشستگان متحدانه حمایت کنیم!**

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در**

**آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**